«روز قلم»؛ روزی برای تقویم و تبریک!

چهاردهم تیرماه به عنوان «روز قلم» فرصتی برای یادآوری منزلت و حرمت قلم و صاحبان آن است که عمر خود را برای ارتقای فرهنگ این مرز و بوم گذاشته‌اند. حال مسأله این است که این روز صرفا برای تبریک به اهل قلم است یا فرصتی برای پرداختن به مسائل آن‌ها؟

گروه فرهنگ و هنر –۱۹سالی می‌شود که روزی به نام روز قلم در چهاردهم تیرماه (از سال ۱۳۸۱) پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، در تقویم رسمی کشور جا خوش کرده است.

توجه به قلم در سرزمین ما پیشینه‌ای دیرینه دارد. سده‌ها پیش در ایران باستان، تیرگان یکی از مهم‌ترین جشن‌های ایران باستان بوده که ایران به نویسندگان هدیه می‌دادند و لباس نویسندگان را بر تن می‌کردند. با توجه به این‌که ابوریحان این نکته را در حدود ۱۰۰۰ سال پیش نوشته و خودش هم نکته بالا را از منابع قدیمی نقل می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت هیچ کشوری چنین مناسبتی –با این ادله و سابقه تاریخی– برای قدردانی از نویسندگان ندارد.»

البته محمدرضا سرشار، نویسنده که چند سالی ریاست انجمن قلم را بر عهده داشته در این‌باره گفته است: پیشنهاد ما روز نزول سوره قلم بود، اما ظاهرا روز ۱۴ تیر را که در یکی از کتاب‌های باستانی مربوط به جشن تیرگان است برای این روز انتخاب کردند. درباره جشن تیرگان نوشته شده است ایرانیان باستان از ۱۳ تیرماه به مدت ۱۰ روز جشن تیرگان برگزار می‌کرده‌اند و روز ۱۴ تیر روز عطارد بوده که آن را کاتب دیگر سیارات می‌نامیده‌اند. مسئولان وقت نیز گشتند یک مناسبت ایران باستانی برای روز قلم پیدا کردند.

معمولا هدف از نام‌گذاری روزهای خاص را معرفی و بزرگداشت ارزش‌ها و تحکیم پیوندهای ملی، دینی، فرهنگی، علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه که منجر به نوعی همدلی، همکاری و مشارکت عمومی شود، می‌دانند اما «روز قلم» و جایگاه صاحبانش هنوز در میان مردم شناخته‌شده نیست. گاه افراد مشهور هم از معرفی سه اهل قلم عاجر مانده و آن‌ها را بیکار خطاب می‌کنند. البته گاه این روز برای صاحبان خود نیز ناشناخته است.

نزدیک به دو دهه است که دست کم در تقویم روزی برای اهل قلم وجود دارد، اما چرا شاهد نامهربانی‌هایی با صاحبان قلم هستیم؟ شاید پاسخ کمی روشن باشد؛ چندان توجهی برای معرفی و شناساندن و ارج نهادن اهل قلم در نظر گرفته نشده و اگر هم برنامه‌ای بوده، کم و محدود بوده و عامه جامعه را درگیر نکرده است. در دو سال اخیر هم با توجه به شیوع ویروس کرونا این روز کمرنگ‌تر از قبل شده است چنان‌چه گویا این روز برای خالی نبودن عریضه در تقویم ثبت شده؛ در حالی که چنین روزی نباید به عنوان یک مناسبت در تقویم محدود شود.

به‌نظر می‌رسد حداقل به مناسبت این روز می‌توان نگاهی به مشکلات و چالش‌های نویسندگان داشت اما روز قلم بیشتر روزی برای تبریک به اهل قلم آن هم در حد یکی دو پیام شده است. مشکلات اهل قلم نه تنها در سایر روزهای سال بلکه در روز مخصوص خودشان هم نادیده گرفته می‌شود؛ مشکلاتی نظیر وضعیت اقتصادی، نبود کپی‌رایت، زمان‌بر بودن اعطای مجوز کتاب و گاه لغو مجوز و توقیف کتاب، شغل نشناختن نویسندگی، نداشتن بیمه، چاپ غیرقانونی کتاب‌های اهل قلم و قاچاق کتاب، و گاه خودی و ناخودی پنداشته شدن و... .

البته در این‌باره نگاه دیگری هم وجود دارد که می‌گوید جدی گرفته نشدن روز قلم شاید به صاحبانش نیز بازگردد؛ اکبر اکسیر، شاعر طنزپرداز معتقد است روز قلم برای این ناشناخته است که هنوز اهل قلم نمی‌توانند خود را زیر پوشش این روز که اهداف و کارکردهایش مشخص نیست، قرار دهند. اگر روزی را به نام قلم نام‌گذاری می‌کنند باید اهل قلم با جان و دل پایبند این روز باشند و در چهاردهم تیرماه هر سال برای رفع مشکلات و رسیدن به آرزوهای خود دور هم جمع شوند. از ابتدا این مرزبندی‌ها و سیاه و سفید نشان دادن‌ها وجود داشت که بزرگ‌ترین آفت اتحاد و یکدلی ملی نویسندگان بود. قلم هرگز مرزبندی‌ها را برنمی‌تابد. باید بین اهل قلم وحدت ملی پیش بیاید و آن‌ها نیازهای خود را بشناسند و بعد روزی را به نام قلم نام‌گذاری کنند. این‌طور که بویش می‌آید اهل قلم هنوز روز قلم را جدی نگرفته‌اند آن هم به خاطر مرزبندی‌هایی که وجود دارد.

چطور عطرها بخشی از نمایشگاه‌های هنری شدند؟

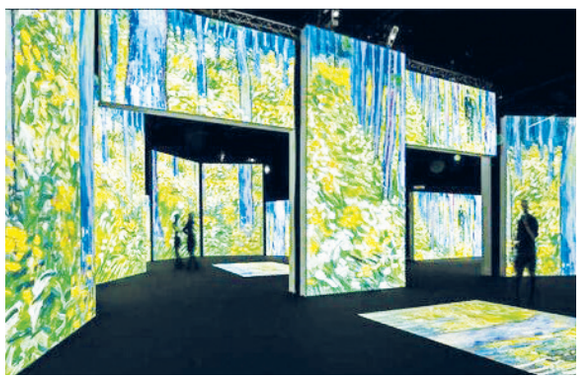

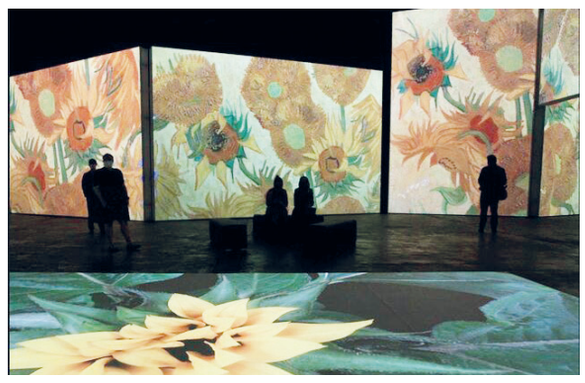

گروه فرهنگ و هنر –نمایشگاه هنری جدید «ون‌گوگ» در ایالات متحده آمریکا که به نمایش دیجیتالی آثار این هنرمند اختصاص دارد، عنصر غیرمنتظره دیگری را نیز شامل خواهد شد: عطر.

زمانی که نمایشگاه دیجیتالی «ون‌گوگ» در بیست و هفتم جولای در «موزه هنر ایندیاناپلیس» برگزار شود یک ویژگی خاص در این نمایشگاه تجربه‌ای جدید را برای بازدیدکنندگان رقم خواهد زد. این نمایشگاه ویژگی خواهد داشت که به واسطه آن حس بویایی بازدیدکنندگان نیز برای درک هنر به کارگرفته خواهد شد.

بااین‌وجود، این نمایشگاه چیزی بیشتر از یک نمایشگاه هنری بصری خواهد بود چرا که اینبار رایحه‌ای که توسط کمپانی «ScentAir» طراحی شده‌اند نیز از عناصر اصلی نمایشگاه خواهد بود.

این نمایشگاه یکی از نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد چطور صنعت عطر به بخشی از تجربیات فرهنگی تبدیل شده است. صنعت عطر به نحوی در کنار هنر مورد استفاده قرار گرفته است که اغلب ما تاکنون متوجه وجود آن نشده بودیم.

آثار «ون‌گوگ» با موضوع گل و طبیعت در این نمایشگاه به نمایش گذاشته می‌شوند و عطری که برای این نمایشگاه در نظر گرفته شده است به عنوان عطری آرام‌بخش و گرم با اسانس چوبی و تند توصیف شده است. این عطر به خوبی با رنگ‌های سرزنده‌ای که در آثار این هنرمند به کار رفته‌اند هماهنگی دارد.

استفاده از حس بویایی در هنر در حال رواج پیدا کردن است و این مسئله که حس بویایی می‌تواند یک عنصر هنری باشد را مورد توجه قرار داده است.

این نمایشگاه دیجیتالی «ون‌گوگ» که در ۵۰ شهر سراسر جهان برگزار شده است، تنها یکی از پروژه‌هایی است که «ScentAir» در آن همکاری داشته است.

«اسکات ویلیامز» که از مدیران این کمپانی است درمورد اهمیت استفاده از عطر در نمایشگاه‌های هنری همچون نمایشگاه دیجیتالی «ون‌گوگ» بیان کرد: «زمانی که بازدیدکننده در این نمایشگاه که در آن تصاویر دیجیتالی متحرک به نمایش گذشته شده‌اند قدم می‌زند و همزمان موسیقی کلاسیک می‌شنود عطر می‌تواند یکی از عناصر غافلگیرکننده نمایشگاه باشد. وقتی شخصی برای نخستین‌بار یک عطر را استشمام می‌کند، این عطر تا ابد تداعی‌کننده نخستین مکان یا موقعیتی خواهد بود که آن‌را استشمام کرده است. وقتی دوباره این عطر را استشمام کنیم نخستین خاطراتی که این عطر یادآورد آن است بار دیگر زنده خواهند شد. رایحه مختلطی که برای این نمایشگاه «ون‌گوگ» انتخاب شده است رایحه‌ای خاص خواهد بود که برای بازدیدکنندگان همواره تداعی‌گر آثار هنری «ون‌گوگ» خواهد بود.»

اصغر همت و مریم سعادت دبیران افتخاری جشنواره تئاتر پنجمک شدند

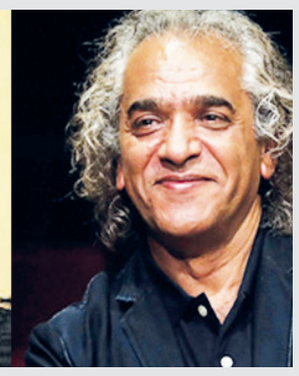

گروه فرهنگ و هنر – مدیر نخستین جشنواره آموزشی تئاتر پنجمک طی نامه‌های جداگانه دو هنرمند پیشکسوت تئاتر و تئاتر کودک و نوجوان را به عنوان دبیران افتخاری این دوره از جشنواره معرفی کرد.

مریم سعادت بازیگر، عروسک‌گردان و کارگردان سینما و تئاتر که از سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ فعالیت حرفه‌ای خود را آغاز کرده در کنار اصغر همت بازیگر سینما و تئاتر که از سال ۵۷ تا کنون فعالیت مستمر و حرفه‌ای خود را در این عرصه ادامه داده، به عنوان دبیران افتخاری، جشنواره آموزشی تئاتر پنجمک را همراهی می‌کنند.

در متن نامه انتصاب این دو هنرمند آمده است:

«برگزاری نخستین جشنواره آموزشی تئاتر پنجمک نیازمند کوشش و اهتمام هنرمندان و کارشناسان خبره‌ای است که منزلت و شأن گرانقدر و مناسب فرزندان ایران عزیز و این جشنواره را به این رخداد نوپا ببخشد.

شناخت همه جانبه‌ی موضوع حیطه‌ی فعالیت و کوشش‌هایی که از سرکار عالی توقع می‌رود، اعتلاء و درخشش در این جشنواره را نوید خواهد داد. با احترام نظر به دانش، تعهد و تجارب ارزشمند سرکار عالی به عنوان «دبیر افتخاری جشنواره» منصوب می‌شوید.

امید است در سایه الطاف خداوندی و حضور گرم و صمیمانه خود در این امر پیروز باشید.

اولین جشنواره آموزشی تئاتر پنجمک با مدیریت مریم کاظمی و مشارکت پردیس تئاتر تهران در مرداد ماه ۱۴۰۰ برگزار می‌شود.

معرفی کتاب

«شنبه‌گلوریا»

نویسنده: ماریو بندتی
مترجم: لیلا مینایی
ویراستار: مهدی نوریعلیرضا اسماعیل‌پور

گروه فرهنگ و هنر –کتاب شنبه گلوریا نوشته ماریو بندتی است که با ترجمه لیلا مینایی منتشر شده است. کتاب شنبه گلوریا را انتشارات ماهی منتشر کرده است این مجموعه شامل تمام داستان‌های کوتاه بندتی به اسپانیایی است.

درباره کتاب:

بندتی داستان‌نویس چیره‌دستی است و در تصویرکردن زندگی روزمره با همه شادی‌ها و غم‌هایش استعداد عجیبی دارد، آن هم با زبانی شوخ و شیرین. داستان‌های او نه در جهانی بسامان و کامل، که در پهنه‌ای نه سیاه و نه سفید شکل می‌گیرند، قلمرویی که در آن انسان‌ها ناگزیرند با دانشی ناقص و احساساتی متزلزل تصمیم بگیرند.

بندتی که نویسنده‌ای به معنای واقعی کلمه متعهد است، در بعضی داستان‌هایش به شیوه‌ای غیرمستقیم و با همان بیان طنزآمیز به نقد شکنجه‌ها و اعمال غیرانسانی دولت‌ها می‌پردازد. داستان «شوخی بود»، که برخی منتقدان آن را سیاسی‌ترین داستان او می‌دانند، از این جمله است. همچنین در همین داستان است که بندتی استادانه از کلیشه‌ها می‌گذرد و با روشن‌کردن جنبه‌ای هولناک در شخصیتی به‌ظاهر «خوب»، پیش‌فرض‌های خواننده از خوب و بد یا حق و باطل را یکسره دگرگون می‌کند.

مجموعه‌داستانی که پیش رو دارید گزیده‌ای است از برخی داستان‌های بندتی که به ترتیب سال انتشار در این مجموعه آمده‌اند.

بخشی از کتاب شنبه گلوریا

پنج نفر با پنج نام خانوادگی مختلف به رئیس تلفن می‌کردند. در شیفت صبح، من مسئول جواب‌دادن به تلفن‌ها بودم و صدای تک‌تکشان را می‌شناختم. همه‌مان خبر داشتیم که هرکدامشان با رئیس سروسرّی دارند و گاهی زیرجلکی درباره‌شان پچ‌پچ می‌کردیم. مثلا برای شخص من، کالوو زنک چاق و پررویی بود که ماتیکش را پهن‌تر از لبش می‌کشید؛ روئیس زن چسان‌فسان‌کرده اما بی‌آدابی بود که موهایش را یک‌وری روی یک چشمش می‌ریخت؛ دوران زن لاغرمردنی مثلا روشنفکری بود از قماش آن موجودات لش و بی‌حوصله؛ و سالگادو زنی لب‌قلوه‌ای بود که جز جاذبه جنسی حُسن دیگری نداشت. تنها صدایی که زنی آرمانی را مجسم می‌کرد صدای ایریارته بود، زنی نه چاق و نه لاغر، با بدنی چنان موزون که آدم را به تحسین خالقش وامی‌داشت، زنی نه زیاده خودسر و نه بیش از حد رام، زنی تمام‌عیار، زنی باشخصیت. من او را این‌طور تصور می‌کردم. با شنیدن خنده رها و بی‌تکلفش شخصیت او را در ذهنم بازمی‌ساختم. در فاصله سکوت‌هایش، چشمان سیاه و غمناکش را مجسم می‌کردم و از صدای گرم و بامحبتش می‌فهمیدم چقدر مهربان و دوست‌داشتنی است.

معرفی کتاب

«بافته»

نویسنده: لائتیسیا کولومبانی
مترجم: نرگس کریمی

گروه فرهنگ و هنر –رمان بافته، نوشته لائتیسیا کولومبانی، نویسنده و فیلم‌نامه‌نویس فرانسوی است. این اثر که سرنوشت سه زن را در کانادا، سیسیل و هند روایت می‌کند از پرفروش‌های سال ۲۰۱۸ فرانسه بوده است. بافته حتی قبل از چاپ در هفده کشور پیش‌فروش شد و در فرانسه در طول دو هفته ۵۴۰۰۰ نسخه فروخت. در حال حاضر رمان بافته به ۲۹ زبان ترجمه شده و جوایز زیادی گرفته است و به‌زودی، در کشور فرانسه، فیلمی از روی این کتاب ساخته خواهد شد.

خلاصه کتاب:

بافته داستان زندگی سه زن از سه قاره مختلف است که همگی تشنه آزادی‌اند.

اسمیتا در هند، از طبقه دالیت است، او آرزو دارد دخترش از این شرایط نجات پیدا کند و بتواند به مدرسه برود. در سیسیل، جولیا در کارگاه پدرش کار می‌کند. او پس از حادثه‌ای که برای پدرش پیش می‌آید، می‌فهمد شرکت خانوادگی‌شان در حال ورشکست شدن است. سارا در کانادا یک وکیل مشهور است. او درست زمانی که قرار است در رأس یک دفتر حقوقی قرار بگیرد متوجه بیماری سخت خود می‌شود. زندگی اسمیتا، جولیا و سارا، در رمان بافته بدون این‌که خودشان بدانند، به هم بافته می‌شود و همه جلوی سرنوشتی که برایشان رقم خورده است، می‌ایستند تا با آن مبارزه کنند.

درباره لائتیسیا کولومبانی

لائتیسیا کولومبانی در سال ۱۹۷۶ در شهر بوردو در فرانسه به‌دنیا آمد. وی فیلمنامه‌نویس، کارگردان، بازیگر و نویسنده است. لائتیسیا کولومبانی، در ابتدای شروع به کارش، فیلمنامه کوتاه و بعد از مدتی، فیلمنامه‌های بلند می‌نوشت و کارگردانی می‌کرد. او همچنین هنرپیشه سینما و تلویزیون است و در ده‌ها فیلم بلند ایفای نقش کرده است.

جملاتی از کتاب بافته

سارا روی زمین افتاد، در سالن دادگاه، در وسط خواندن یک دفاعیه. اول حرفش را قطع کرد، نفس‌هایش کوتاه شد، به اطرافش طوری نگاه می‌کرد که انگار، ناگهان دیگر نمی‌دانست که کجاست.

با وجود رنگ پریده صورتش و دستان لرزانش، که خود حاکی از کسالتش بودند، سعی کرد دوباره رشته کلام را در دستش بگیرد. بعد چشمانش سیاهی رفت، دایره دیدش تیره شد، دوباره نفس‌هایش کوتاه شد. ضربان قلبش کم شد، خون مثل رودخانه‌ای که بسترش را رها می‌کند، از صورتش رفت. سارا روی خودش افتاد، مثل برج‌های دوقلوی مرکز تجاری جهانی که همه فکر می‌کردند محکم و استوارند.

سقوطش در سکوت اتفاق افتاد. هیچ اعتراضی نکرد و از کسی کمک نخواست. بی‌صدا ولو شد مثل یک قلعه کاغذی، با ظرافت.

کاوه یغمایی پس از ۵ سال آلبوم منتشر می‌کند

گروه فرهنگ و هنر –کاوه یغمایی پس از پنج سال، با انتشار آلبومی به نام «آدم‌های شب زده» به عرصه موسیقی بازمی‌گردد.

چهارمین آلبوم استودیویی کاوه یغمایی به نام «آدم‌های شب زده» قرار است چهاردهم تیر ماه منتشر شود. این آلبوم شامل هشت قطعه باکلام است که با همکاری چهره‌های متفاوت موسیقی تولید شده است.

میثم یوسفی، علیرضا آذر، مسعود میرامادی، مزدا شاهانی، امید اطهری نژاد، کوشا دلشاد و فرید نیکفام در بخش ترانه‌های این آلبوم حضور دارند.

موسیقی و تنظیم تمام قطعات برعهده خود یغمایی بوده است.

همچنین نیلوفر فرزندشاد، ساتگین یغمایی، دنیل ادیر، برایان پولسن، دیوید اسپایدل و شین گالاس دیگر نوازندگان این آلبوم هستند.

آخرین آلبوم این خواننده به نام «منشور» سال ۹۵ منتشر شده بود. «مترسک» (۸۲) و «سکوت سرد» (۸۶) عناوین دیگر آلبوم های یغمایی است.